



۲۳ ۰۶ ۲۰۱۴



اذین

## خطاب به همه هموطنان ارجمند و دانای من!

خطاب به همه ی آنهاييکه اين روزها احساسات و مسايل پوچ قومی را دامن می زنند. « هر شکل از آزادی، همچون رابطه ای یک عضو با ساير اعضاي یک پيکر، شرط وجودی ديگر اشکال آزادی است. هر بار که بخشی از آزادی ضربه می خورد، اين خود آزادی است که ضربه خورده است. هر بار که شکلی از آزادی طرد می شود، اين خود آزادی است که طرد شده است. آزادی، آزادی است چه در بيان مرکب چاپ خانه ها ، چه در اعماق وجدان ها و چه در یک مجمع سیاسی و ... » هموطن!

در اين روزها در وطن ما آدمک های کلیشه ای و مجسمه های کوکی نقش تاریخی خود را در اين تيتر نگبت بار مردگان ، بار ديگر به نمايش گذاشته اند.

تنی چند از دو زیستان، شخصیت های دوپاره، وجدان های پریشان و انسان های از خود بیگانه، خرد باخته، دو گو و دو رو، در کسوت روشنفکران بر طبل تهی تبلیغات ضد انسانی و ضد ديموکراتیک و قوم و سمت پرستانه و تجزیه طلبانه ی خود، بیشتر از هر زمان ديگر به کوبیدن آغازیده اند.

با نمايش اين مضحکه رسوا باز هم به فرمان قدرت مند زمان و گردونه شتاب مند تأريخ، مشت بدخواهان بیش از پیش باز خواهد شد و حقایق مکنون در پرده ریا و دد اندیشی بر همگان و بخصوص بر انسان آزاد افغانستان آشکارا و هويدا خواهد گرديد.

ژاژ خواهی های پاسداران استبداد و عربده های دوره و چماق داران، هرگز نمی تواند موج از خود رفته و سیال حقیقت را در لجن اتهام، توهين و افترا از چشمان حقیقت بين داور زمان به دور نگهدارد.

علف هرزه اتهام و توطئه از لجن زار اندیشه اجبران بیگانه، هر روز بیشتر سر می زند.

آدم کشان حرفوی، در ادامه ی یک زندگی ننگ بار و کامروایی در خون و به بهای تباهی همه چیز ديگران ، با علم کردن مسايل پوچ قومی - سمتی شان در کنار کارزار گسترده آدم کشی و آدم ربایی موجی از حملات تبلیغاتی گسترده را علیه نیروهای جانبدار آزادی ، استقلال و عدالت اجتماعی ، در افغانستان تدارک دیده اند.

ورق پاره های ضد انسانی ، بی مایه و بی محتوا و پر از جعل و تخریب و اتهام را علیه ساکنان شرافتمند افغانستان و علیه همدیگر به نشر می رسانند.

انسان های درستکار و آزاد افغان به اهداف مکنون در نوشته ها و هم چنین به هویت گوینده ها و نگارنده های آن آشنایی کامل دارند. نوشته ها و سخنرانی ها ی بی محتوای آن ها که در آن سیمای حقیقی آنها با لگد زدن ها و چنگ و دندان گرفتن ها به خوبی به نمايش گذاشته شده است، بنام ملت کبير افغانستان و انسان های آزاد افغان توهين بزرگی است به انسان های درستکار و صادق افغان که تمام امید شانرا به رهایی انسان زحمت کش افغان و به فردای بدون دلهره و اضطراب در کشور ما بسته اند.

انسان های آزاد افغان مصمم اند، با متانت و شکیبایی تلاش کنند، تا بلکه به مجریان خط ترور و شیفته استبداد به نحوی از انحا ، تفهيم کنند که اگر افغانستان وطن مشترک ما در حلقه زنجير یک جریان ضد ديموکراتیک و گذشته ستا در بند بماند، علماً و عملاً علت وجودی و رسالت ملی و میهنی خود را از دست داده است.

برای افغانهای آزاد به عنوان پیکره زنده و توانمند عهده دار شدن پیشخوانی اجبران و نو به دولت رسیده گان ، به هیچ بهایی ممکن و میسر نیست که بدان تن در داد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولئ

دست افشانی در آستان دشمنان مردم افغانستان و جبین ساییدن بر زمین نفرت بار بیگانه و اعتراف بی پروا بر این خیانت های تاریخی ، ناگزیر ، جدایی آنهایی را که با مردم و یاران و میهن میثاق خون بسته اند از مثنی در مانده و وا مانده قوم پرست و تجزیه طلب باعث می گردد .

چون افراد اجیر و خود فروخته اند، باید از موضع زور و قدرت به عنوان خابین ملی با ایشان برخورد شود و مورد پیگرد قانون قرار گیرند . این حکم بی برگشت افغان های آزاد است که بی هراس از مرگ و توطئه و تهمت و افترا ، با همه توش و توان از افغانستان کهنسال دفاع کنند .

افغان های آزاد این وطن با منافست، آیین نامه، و دستورالعمل رفتار آنها در جهان استبدادی آنها که روابط بیشتر بر پایه اضطرار است تا اختیار ، آشنا هستند .

حرف ها و نوشته های شان ، فستیوالی از ناسزاگویی است . مظهري است از چسپیدن کودکانه و متعصبانه به معیار های فرسوده، من درآوردی، از کار بازمانده، مسخ شده و گذشته ستا .

جهان فکری و سیمای معنوی سنگ مغزان کومه فکر در سراسر آن تجلی تاریخی خود را، در مبارزه با آنچه سیال و پر تحرک و آینده گرا است ، به وجهه نکویی باز می یابد .

به بزرگان تاریخی ما، به شاه امان الله توهین و بد و بیراهه روا می دارند . این تکرار مکررات و این همه ستایش از خون و کین و نفرت به جز آینه تمام نمای اندیشه بیمار آنها توجیه دیگری نمی تواند داشته باشد .

اجیران قوم و سمت پرست و تجزیه طلب با همه توش و توان بر باد گره می زنند و در هاون آب می کوبند تا قناری اندیشه را در زیر چکمه های خونین همسایه ها پیش از فرا رسیدن بهاران نیست و نابود کنند .

حرف ها و کارهای شان چیزی نیست به جز از منشور اعتقادی عده ای علیل و ناتوان و بیمار فکری، که با تکیه بر امکانات فراهم شده از جانب بیگانه ها بر انسان های آزاد شمشیر می کشند و هر منتقدی را که خواستار مسلح کردن فکری و آرمانی طبقات محروم جامعه برای دفاع از حیثیت و هستی شان است با دره تکفیر در هم می کوبند .

راستی زمانیکه آدم به ژرفای نابخردی و تاریک فکری تجزیه طلبان پی می برد، نخستین سوالی که می تواند از خودش پرسد، این خواهد بود که افرادی از این قبیل زمانیکه بر اریکه قدرت لم بدهند به جز از خون و خون ریزی به تقدیس کدام اصول انسان سالاری تن در خواهند داد ؟

این ها بیمار هستند، اندیشه های شان سترون و ناز است ، برداشت کلیشه، سطحی و عقب مانده و خجالتی از مسایل جاری کشور دارند .

این حرف ها به هیچ وجه به عنوان دادن پاسخ به گرو های سمت و قوم پرست بیمار تلقی شده نمی تواند . در هر حالت این ها و رهبرک های شان دیر یا زود ضربت گران سیلی تاریخ را بر گونه های زرد و مسلول خود احساس خواهند کرد .

خداوند نگهبان کهن میهن ما باد .

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ